



مرکز تحقیقات اسلامی


اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



معلولان از نگاه امام حسین علیه السلام

القدس تا قم



مجلس شورای اسلامی ایران
Islamic Consultative Assembly

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معلولان از نگاه امام حسین علیه السلام

نویسنده:

اقدس کاظمی

ناشر چاپی:

توانمندان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	معلولان از نگاه امام حسین علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست
۱۳	طلیعه
۱۷	فصل نخست: برپایی همایش برای حل مشکلات معلولان
۱۷	اشاره
۱۹	سخنرانی برای نخبگان
۲۰	متن سخنرانی: قسمت اول
۲۳	متن سخنرانی: قسمت دوم و سوم
۲۵	ترجمه فارسی قسمت نخست
۲۸	ترجمه فارسی قسمت دوم و سوم
۳۱	اهمیت گفتار امام
۳۶	شخصیت شناسی سلیم بن قیس و ابن شعبه
۳۷	آسیب شناسی اجتماعی - فرهنگی
۳۹	دیگر توصیه ها و سفارش ها
۴۳	فصل دوم: سیره حسینی در شعر پارسی
۴۳	اشاره
۴۵	برگردان سخنرانی امام به شعر
۴۸	نشست با بزرگان جهان اسلام
۵۱	وضع جهان اسلام
۵۸	مسئولیت عمومی برای رفع مشکلات
۷۲	درباره مرکز

شناسه افزوده : سلیم بن قیس هلالی، ۲ قبل از هجرت - ۷۶ق. . کتاب سلیم

بن قیس الهلالی. فارسی. برگزیده

شناسه افزوده : دفتر فرهنگ معلولین

رده بندی کنگره : ۱۳۹۶ م ۲ک/۷/۴۱BP

رده بندی دیویی : ۹۵۳/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی : ۵۰۱۶۵۰۵

ص : ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

معلولان از نگاه امام حسین علیه السلام

به اهتمام: اقدس کاظمی قمی

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۶

شابک: ۹-۰-۹۸۶۰۶-۶۰۰-۹۷۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه قیمت: ۰۰۰/۵۰ ریال

ناشر: توانمندان

قم، بلوار محمدامین، خیابان گلستان، کوچه ۱۱، پلاک ۴، دفتر فرهنگ معلولین

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۴۵۲ فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲

همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

www.HandicapCenter.com , www.DataDisability.com , info@handicapcenter.com

ص: ۴

فصل نخست: برپایی همایش برای حلّ مشکلات معلولان

سخنرانی برای نخبگان.. ۱۳

متن سخنرانی: قسمت اول.. ۱۴

متن سخنرانی: قسمت دوم و سوم. ۱۷

ترجمه فارسی قسمت نخست.. ۱۹

ترجمه فارسی قسمت دوم و سوم. ۲۲

اهمیت گفتار امام. ۲۵

شخصیت شناسی سلیم بن قیس و ابن شعبه. ۳۰

آسیب شناسی اجتماعی - فرهنگی.. ۳۱

دیگر توصیه ها و سفارش ها ۳۳

فصل دوم: سیره حسینی در شعر پارسی

برگردان سخنرانی امام به شعر. ۳۹

نشست با بزرگان جهان اسلام. ۴۰

وضع جهان اسلام. ۴۱

مسئولیت عمومی برای رفع مشکلات.. ۴۳

عشق و ارادت معلولان به امام حسین علیه السلام همواره در طول تاریخ وجود داشته و نمونه های بسیار در ادوار مختلف تاریخی می توان یافت؛ حتی جان، مال و منال خود را در راه حسینی فدا کرده اند. آنان در راهپیمایی اربعین، هر سال مشارکت گسترده دارند و به رغم مشکلات فراوان جسمی با زحمت و مشقت در راهپیمایی اربعین به طرف کربلا شرکت می کنند. معلولانی با ویلچر یا به صورت چهار دست و پا و یا با عصا و خلاصه به روش های غیر متعارف مشارکت دارند. همه اینها به خاطر عشق به امام حسین علیه السلام است.

برای نشان دادن میزان علاقه و عشق معلولان به امام حسین علیه السلام و فعالیت های آنان در تبلیغ مکتب حسینی در دوره های مختلف نخست باید زمینه های تاریخ را شناخت و چگونگی به وقوع پیوستن نهضت حسینی را دانست.

مشارکت معلولان در قیام حسینی دلایل مختلف دارد. اما مهم ترین دلیل آن دیدگاه ها و سیره خود امام حسین علیه السلام است. مهم ترین هدف امام حسین علیه السلام، قیام علیه ظلم و بی عدالتی بود.

معلولین

تشنه عدالت، هدف امام را با تمام وجود درک کردند. چون خود قربانی بی عدالتی و تبعیض بوده اند. علاوه بر آن حضرت در جاهایی به صراحت از وضعیت کنونی معلولین گلایه می کند و خواستار زندگی و معیشت مطلوب تر برای آنان شده است. در واقع سخنان حضرت، نوعی همدلی و هم زبانی با معلولین است.

معلولین در طول تاریخ متوجه شدند، امام حسین علیه السلام بدون هیچ مماشات با حاکمیت با تمام وجود از هویت معلولان دفاع کرده و آنچه در ذهن و قلب داشتند، حضرت با بانگ رسا بیان کرده است.

با توجه به اینکه دوستی و محبت طرفینی است؛ یک طرف یعنی امام حسین علیه السلام به نقد بی عدالتی ها و ظلم های علیه معلولین پرداخت و طرف دیگر یعنی معلولین هم در طول تاریخ با عزاداری و برپایی مراسم نوحه و مرثیه سرایی به تسبیب و ترویج سخنان حضرت پرداخته اند. به ویژه در سال های اخیر در جریان اربعین، سنگ تمام گذاشته و به عنوان زائر یا به عنوان خادم تلاش های گسترده داشته اند.

این کتاب به بیان دیدگاه ها و سیره امام حسین علیه السلام درباره معلولین می پردازد و احادیثی که از امام درباره معلولان مأثور است و نیز گزارش های تاریخی درباره رفتارها و اقدامات آن حضرت را معرفی می کنیم. مهم ترین مطلب، سخنرانی امام حسین علیه السلام برای نخبگان جهان اسلام در دفاع از معلولان است. امام دستور داد مشاهیر و بزرگان تجمع کنند و به اصطلاح امروز، همایش و نشست بزرگ و بی سابقه برگزار کرد و به بررسی مشکلات معلولان پرداخت.

همچنین امام در مواردی از سنت متعارف نبوی و علوی یاد کرده و می فرماید در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام معلولین شرایط مطلوب تری داشتند؛ اما سنت های نبوی و علوی توسط حاکمیت اموی و به ویژه معاویه و یزید منسوخ و ارزش ها و سنت های جاهلی جای آن را گرفت. امام حسین خودش را احیاء کننده این سنت ها معرفی می کند. این سنت ها و شرایط مطلوب در عهد نبوی و علوی نیز تبیین و معرفی می گردد.

این کتاب شامل دو فصل است: فصل اول دیدگاه های امام پیرامون مشکلات معلولان راه کار برای برون رفت از این مشکلات است. در این فصل سخنرانی امام برای نخبگان و دیگر روایات امام که مرتبط به زندگی معلولان است آمده است.

فصل دوم بیان منظوم سخنرانی امام حسین علیه السلام است. این سخنرانی به دلیل اهمیت و اینکه دارای تأثیر ژرف در جامعه هدف بوده است، توسط شاعر مکتبی و ارزشمدار و متعهد خانم اقدس کاظمی به شعر برگردان شده است.

لازم به یادآوری است خانم اقدس کاظمی تاکنون کتاب های بسیار و اشعار فراوان درباره امام حسین علیه السلام و وقایع کربلا و حادثه عاشورا و دیگر معصومین علیهم السلام سروده است. در یک کتاب مستقل به نام قصه کربلا درباره همه وقایع مرتبط به قیام حسین سروده و منتشر کرده است. از این نظر تنها

خانم شاعره ای است که تمام زندگی و عمرش را به پای این خاندان پاک و مطهر نثار و ایثار کرده است.

خانم اقدس کاظمی را باید پروین اعتصامی (۱۲۸۵-۱۳۲۰) دیگری دانست؛ با این تفاوت که اعتصامی در تبریز زاده شد و در تهران رشد یافت و پس از مرگ زود هنگام در قم به خاک سپرده شد؛ اما کاظمی در قم زاده شد و در همین شهر رشد نمود. شعر کاظمی برخوردار از مفاهیم اخلاقی، اجتماعی است؛ او آرایه های زیبای لفظی و معنایی را در شعرش به اقتضای حال و مقال به کار گرفته و بر زیبایی و جذابیت پارسی سرایی افزوده است. اما دغدغه های ایشان با بسیاری از دیگر شاعران متفاوت است و شعرش علاوه بر اینکه گویای فرهنگ شیعی است، بیان رنج های ایتام، آسیب مندان جامعه و معلولان است. زیرا خودش با تمام سلول های وجودش شقاوت ها و شلاق های دوران را چشیده و حتی امروز هم زندگی عسرآمیز و پر از فقدان را می گذراند؛ در روزگاری که آلاف و علوف بعضی فراهم است؛ ولی چنین خادمانی متأسفانه مغفول و منسی و البته در کمال عزت نفس تمام وقت مشغول خدمت اند. چنین زمینه هایی در سرایش هایش تأثیر نهاد و شعر را از طبقات مرفه و پر فیس و افاده رها ساخت و در خدمت زنان رنج کشیده، دختران یتیم، مردان سخت کوش و در پی رزق حلال، افرادی که زیر ظلم و استثمار ظالمان پول پرست استخوان های تنشان خرد شده آورد. از این رو شعرهایش بوی مردم، مزه خاک و طعم عسرت و سختی را می دهد.

ما ایرانیان در حیات شخصیت هایی چون خانم کاظمی از او بهره مند نمی شویم و به هنگام ممات، با بیانیه و اطلاعیه ها به تحلیل او می پردازند؛ در حالی که در زمان حیات، گاه چند روز گوشه بیمارستان افتاده و کسی به او سر نمی زند و حالش را نمی پرسد و مجبور است با حقوق بسیار ناچیز بازنشستگی آموزش و پرورش که تأمین کننده دارو و درمان او هم نیست، بسازد و هیچ گاه از فقدان هایش هم نگوید. خداوند این شاعره بزرگ مکتب تشیع و این شاعره توانمند ایران زمین را از جمیع بلا یا محفوظ دارد و او سال ها برای فرهنگ این جامعه در سلامت، کوشا باشد.

دفتر فرهنگ معلولین در سال های گذشته، هر سال به مناسبت اربعین حسینی یک کتاب یا حداقل یک پوستر منتشر کرده است. زیرا به عیان می بینیم در این

زمان ها همه به فکر همه چیز هستند مگر فرهنگ سازی و بهره گیری معنوی و فرهنگی از شرایط موجود.

این دفتر به منظور معرفی ابعاد فرهنگی قیام حسینی و اربعین که در زندگی معلولین هم مؤثر بوده؛ تلاش کرده آثاری را منتشر کند. برای اولین بار کتابی را در سال ۱۳۹۵ منتشر کرد و تاریخ فعالیت های معلولان را در جریان اربعین حسینی تجزیه و تحلیل نمود. امسال (۱۳۹۶) هم کتابچه حاضر را که درباره سخنرانی امام حسین علیه السلام برای نخبگان است منتشر می کنیم تا مردم با دیدگاه های امام درباره معلولان آشنا شوند.

لازم است از جناب حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی نماینده آیت الله العظمی حاج سیدعلی سیستانی که همواره پشتیبان و حامی معلولین بوده، تشکر نماییم. نیز از همه کسانی که در تدوین و نشر این اثر همکاری داشتند تشکر می کنیم.

محمد نوری

ص: ۱۰

فصل نخست: برپایی همایش برای حلّ مشکلات معلولان

اشاره

ص: ۱۱

امام حسین علیه السلام در سال چهارم قمری در مدینه متولد و در سال شصت و یکم قمری در کربلا به شهادت رسید. در سال ۵۰ق با درگذشت امام حسن مجتبی علیه السلام به امامت و رهبری شیعیان تعیین گرد. امام حسین علیه السلام شش سال از دوره کودکی خود را در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گذراند. پس از رحلت پیامبر در دوره خلفا به امور فرهنگی و آموزش مشغول شد و در دوره خلافت پدرش، حضوری فعال اجتماعی داشت. در جنگ جمل فرماندهی جناح چپ سپاه امام علی علیه السلام بر عهده وی بود. در جنگ صفین به امور تبلیغی و تشویق سپاه و روحیه دادن به آنها اهتمام داشت. در جریان حکمیت به عنوان یکی از شهود از طرف حضرت علی علیه السلام حضور داشت. پس از شهادت امام علی علیه السلام، ده سال در کنار برادرش، حضور اجتماعی داشت تا اینکه خودش به امامت رسید. چنین فردی که از خردسالی در کوران حوادث بزرگ شده و در متن رخدادها تجربه دیده، قطعاً شناخت دقیق از جامعه دارد، گروه ها و جریان ها را به خوبی می شناسد، عوامل و علل حوادث اجتماعی را می داند.

امام به دلیل شناختی که از جامعه دارد برای ایجاد تحول در جامعه به سراغ اقشار آسیب مند رفته و تلاش نموده در این قشر تحرک ایجاد کند. از این رو پس از تجمع مشاهیر و بزرگان جهان اسلام به سخنرانی می پردازد.

این فصل با تجزیه و تحلیل یکی از سخنرانی های امام حسین علیه السلام، درصدد اینست که مشخص کند امام چه دیدگاهی درباره جامعه معلولان و مشکلات و تحولات و تطورات این جامعه داشته است.

خطبه ای از امام حسین علیه السلام در چند منبع معتبر وارد شده و جملاتی از آن ویژه معلولان است؛ هر چند تمام جملات و کل آن را هم می توان مرتبط به شرایط و وضعیت این قشر دانست. متنی که در تحف العقول و بحارالانوار و کتاب سلیم بن قیس هلالی آمده به نظر بسیاری از حدیث پژوهان یک سخنرانی بوده که قسمت اولش در کتاب سلیم و قسمت دوم و سوم آن در کتاب تحف العقول آمده است. این سخنرانی را حضرت در سال ۵۸ق در منا برای نخبگان جامعه و فرهیختگان بنی هاشم بیان کرده است. یعنی دو سال قبل از فوت معاویه پسر ابوسفیان این سخنرانی را اجرا کرده و به مشکلات جامعه و بدبختی های مسلمانان و مفساد بنی امیه و معاویه پرداخته است. در چنین جامعه ظلم زده بیش از همه معلولین و آسیب دیدگان جامعه در معرض خطر هستند و حضرت این خطرات را متذکر شده است.

نخست متن سخنرانی را به تمامی از کتاب های سلیم بن قیس و تحف العقول نقل می کنم سپس ترجمه سخنان را می آورم و در ادامه به تجزیه و تحلیل می پردازم. اما لازم است خود سلیم بن قیس را هم به اجمال معرفی کنم:

سلیم بن قدس هلالی (۲ سال قبل از هجرت - ۷۶ق) از اصحاب امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام از رجال نامدار شیعه است. او تلاش کرده، آسیب شناسی جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر را به دست آورد و علل و عوامل واقعی انحراف جامعه مسلمانان را کشف نماید. وی یافته های خود را در کتابی جمع آوری کرد و آن را مستند به شواهد عینی نمود. (۱) این کتاب به نام کتاب سلیم بن قیس هلالی معروف است و بارها در ایران و عراق تجدید چاپ شده است. چاپی که با اتکای به آن سخنرانی امام حسین را استخراج کرده ام، تحقیق محمدباقر انصاری زنجانی خوئینی است و در لبنان توسط دار الحوراء در ۱۴۳۰ق منتشر شده است. وی تحقیق گسترده ای درباره سلیم و کتابش انجام داده و استدراک جامعی بر آن نوشته است.

ص: ۱۳

اما سخنرانی امام حسین علیه السلام با عنوان «مناشدات و احتجاجات امام حسین علیه السلام در مکه» توسط سلیم بن قیس هلالی نقل شده است. در طلیعه آن نوشته است: یک سال قبل از مرگ معاویه، امام حسین علیه السلام به قصد حج عازم مکه شد در حالی که عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر همراهش بودند. او بنی هاشم، زنان و مردان، شیعیان و موالی شیعه و اهل بیتش و کسانی که امام را می شناختند جمع کرد. سپس نمایندگانی به جاهای مختلف فرستاد تا هر کس را می شناختند دعوت کنند. بالاخره جمعیتی حاضر شدند که شامل هفتصد مرد یا به نوشته الاحتجاج هزار مرد و تقریباً دویست تن از اصحاب پیامبر بود. حضرت به پا خواست و به سخنرانی پرداخت. (۱) متن این سخنرانی که قسمت نخست آن در کتاب سلیم بن قیس هلالی آمده به شرح زیر است.

سلیم در طلیعه به معرفی این خطبه و چگونه اجرای آن و شیوه دعوت مردم و شکل گیری این اجتماع پرداخته و در ادامه و در ادامه به انگیزه امام می پردازد. کلام امام را اینگونه آغاز می کند: این طاغوت ها در جامعه و در مورد شیعیان کارهایی انجام داده اند که می بینید و اطلاع دارید. من چون از نابودی اساس مذهب و از بین رفتن حق و غلبه باطل می ترسم می خواهم با طرح پرسش ها و پاسخ دادن شما، واقعیت هایی را متذکر شوم. پس از این مناقب امام علی علیه السلام و تلاش حاکمیت و برای از بین بردن فرهنگ علوی در جامعه را بر می شمارد. روش سلیم بن قیس برای نشان دادن وضعیت آن روزگار ابتکاری است. او با استفاده از مستندات تاریخی شیوه برگرداندن ارزش ها و تعویض شرایط فرهنگی و چگونگی تبدیل جامعه نبوی و علوی به جامعه ارتجاعی سفیانی و اموی را نشان می دهد.

مناشدات و احتجاجات الإمام الحسين عليه السلام بمكة: فلما كان قبل موت معاوية بسنه حج الحسين بن علي عليه السلام، و عبدالله بن عباس، و عبدالله بن جعفر معه، فجمع الحسين عليه السلام بني هاشم، رجالهم و نساءهم و مواليهم و شيعتهم من حج منهم، و من الأنصار ممن يعرفه الحسين عليه السلام و أهل بيته.

ثم أرسل رسلاً: «لا تدعوا أحداً ممن حج العالم من أصحاب رسول الله صلى الله

ص: ۱۴

عليه وآله وسلم المعروفين بالصلاح والنسك إلا أجمعوهم لى».

فاجتمع إليه بمنى أكثر من سبعمائه رجل وهم فى سرادقه، عامتهم من التابعين ونحو من مائتى رجل من أصحاب النبى صلى الله عليه وآله وسلم وغيرهم.

فقام فيهم الحسين عليه السلام خطيباً فحمد الله وأثنى عليه، ثم قال: أما بعد، فإن هذا الطاغية قد فعل بنا وبشيئتنا ما قد رأيتم وعلمتم وشهدتم، وإنى أريد أن أسالكم عن شىء، فإن صدقت فصدقونى وإن كذبت فكذبونى. أسالكم بحق الله عليكم وحق رسول الله وحق قرابتي من نبيكم، لما سيرتم مقامى هذا ووصفتهم مقاتلى ودعوتهم أجمعين فى أنصاركم من قبائلكم من آمنتم من الناس ووثقتهم به، فادعوهم إلى ما تعلمون من حقنا، فإنى أتخوف أن يدرس هذا الأمر ويذهب الحق ويغلب، والله متم نوره ولو كره الكافرون.

مناقب

أمير المؤمنين عليه السلام على لسان الإمام الحسين عليه السلام: وما ترك شيئاً مما أنزل الله فيهم من القرآن إلا تلاه وفسره، ولا شيئاً مما قاله رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فى أبيه وأخيه وأمه وفى نفسه وأهل بيته إلا رواه، وكل ذلك يقول الصحابه: «اللهم نعم، قد سمعنا وشهدنا»، ويقول التابعى: «اللهم قد حدثنى به من أصدقه وأتمنه من الصحابه». فقال: أنشدكم الله إلا حدثتم به من تثقون به وبدينه.

قال سليم: فكان فيما ناشدهم الحسين عليه السلام وذكرهم أن قال: أنشدكم الله أتعلمون أن على بن أبى طالب كان أخا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم حين آخى بين أصحابه، فأخى بينه وبين نفسه وقال: «أنت أخى وأنا أخوك فى الدنيا والآخرة؟ قالوا: اللهم نعم».

قال: أنشدكم الله، هل تعلمون أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم اشترى موضع مسجده ومنازله فابتناه، ثم ابنتى فيه عشره منازل، تسعه له وجعل عاشرها فى وسطها لأبى.

ثم سد كل باب شارع إلى المسجد غير بابه، فتكلم فى ذلك من تكلم، فقال صلى الله عليه وآله وسلم: «ما أنا سددت أبوابكم وفتحت بابه، ولكن الله أمرنى بسد أبوابكم وفتح بابه». ثم نهى الناس أن يناموا فى المسجد غيره، وكان يجنب فى المسجد و منزله فى منزل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، فولد لرسول

ص: ١٥

اللّٰهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ لَهُ فِيهِ أَوْلَادٌ؟ قَالُوا: اللّٰهُمَّ نَعَمْ.

قال: أتعلّمون أن عمر بن الخطاب حرص على كونه قدر عينه يدعها من منزله إلى المسجد، فأبى عليه. ثم خطب صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فقال: إن اللّٰهُ أمر موسى أن يبني مسجداً طاهراً لا يسكنه غيره و غير هارون و ابنه و إن اللّٰهُ أمرني أن أبني مسجداً طاهراً لا يسكنه غير و غير أخي و ابنه؟ قالوا: اللّٰهُمَّ نَعَمْ.

قال: أنشدكم اللّٰهُ، أتعلّمون أن رسول اللّٰهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نصبه يوم غدير خم فنادى له بالولاية و قال: «ليبلغ الشاهد الغائب»؟ قالوا: اللّٰهُمَّ نَعَمْ.

قال: أنشدكم اللّٰهُ أتعلّمون أن رسول اللّٰهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قال له في غزوه تبوك: «أنت مني بمنزله هارون من موسى و أنت ولي كل مؤمن بعدي»؟ قالوا: اللّٰهُمَّ نَعَمْ.

قال: أنشدكم اللّٰهُ، أتعلّمون أن رسول اللّٰهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حين دعا النصارى من أهل نجران إلى المباهلة لم يأت إلا به و بصاحبه و ابنه؟ قالوا: اللّٰهُمَّ نَعَمْ.

قال: أنشدكم اللّٰهُ، أتعلّمون أنه دفع إليه اللواء يوم خيبر، ثم قال: «لأدفعه إلى رجل يحب اللّٰهُ و رسوله و يحب اللّٰهُ و رسوله، كزار غير فرار يفتحها اللّٰهُ على يديه»؟ قالوا: اللّٰهُمَّ نَعَمْ.

قال: أتعلّمون أن رسول اللّٰهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بعثه ببراءة و قال: «لا يبلغ عنى إلا أنا أو رجل منى»؟ قالوا: اللّٰهُمَّ نَعَمْ.

قال: أتعلّمون أن رسول اللّٰهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لم تنزل به شدة قط إلا قدّمه لها ثقة به، و انه لم يدعه باسمه قط إلا أن يقول: «يا أخي» و «ادعوا لي أخي»؟ قالوا: اللّٰهُمَّ نَعَمْ.

قال: أتعلّمون أن رسول اللّٰهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قضى بينه و بين جعفر و زيد، فقال له: «يا علي، أنت مني و أنا منك، و أنت ولي كل مؤمن و مؤمنة بعدي»؟ قالوا: اللّٰهُمَّ نَعَمْ.

قال: أتعلّمون أنه كانت له من رسول اللّٰهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كل يوم خلوه و كل ليلة دخله، إذا سأله أعطاه، و إذا سكت أبداه؟ قالوا: اللّٰهُمَّ نَعَمْ.

قال: أتعلّمون أن رسول اللّٰهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فضله على جعفر و حمزه حين قال لفاطمه عليها السلام: «زوّجتك خير أهل بيتي، أقدمهم سلماً، و

أعظمهم حِلماً، و أكثرهم علماً؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم قال: «أنا سيد ولد آدم و أخي علي سيد العرب، و فاطمه سيدة نساء أهل الجنة، و ابنای الحسن و الحسين سیدا شباب أهل الجنة؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم امره بغسله و أخبره أن جبرئيل يعينه عليه؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم قال في آخر خطبه خطبها: «أيها الناس، إني تركت فيكم الثقلين كتاب الله و أهل بيتي، فتمسكوا بهما لن تضلوا؟ قالوا: اللهم نعم.

فلم يدع شيئاً أنزله الله في علي بن ابي طالب عليه السلام خاصة و في أهل بيته من القرآن و لا علي لسان نبيه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم إلا ناشدهم فيه، فيقول الصحابه: «اللهم نعم، قد سمعنا»، و يقول التابعي: «اللهم قد حدثني من أثق به، فلان و فلان».

ثم ناشدهم أنهم قد سمعوه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم يقول: «من زعم أنه يحبني و يبغض علياً فقد كذب، ليس يحبني و هو يبغض علياً» فقال له قائل: يا رسول الله، و كيف ذلك؟ قال: لأنه مني و أنا منه، من أحبه فقد أحبني و من أحبني فقد أحب الله، و من أبغضه فقد أبغضني و من أبغضني فقد أبغض الله؟

فقالوا: «اللهم نعم، قد سمعنا». و تفرقوا على ذلك. (1)

متن سخنرانی: قسمت دوم و سوم

اما قسمت دوم و سوم سخنرانی امام حسين در كتاب تحف العقول زیر عنوان «من كلامه في الأمر بالمعروف و النهي عن المنکر» آمده است. ابن شعبه حرانی می گوید این روایت به امام علی علیه السلام هم منسوب است و از ایشان هم نقل شده است. مترجم احمد جنتی در پاورقی می نویسد: این خطبه برای جمعی از دانشمندان ایراد شده که در آخرین دیدار امام از مکه از آنان خواسته بود تجمع

ص: ۱۷

۱- . همان ص ۳۲۰-۳۲۳؛ همین روایت در کتاب الاحتجاج طبرسی هم آمده است.

كند تا مسئولیت ها و وظایف آنان را در شرایط جدید افشاء كند و تكلیف آنان را یادآور شود.

من كلامه عليه السلام فى الأمر بالمعروف و النهى عن المنكر و يروى عن أمير المؤمنين عليه السلام: اعتبروا أيها الناس بما وعظ الله به أولياءه من سوء ثنائه على الأحرار إذ يقول: « لولا ينهيه الربانيون و الأحرار عن قولهم الإثم » و قال: « لعن الذين كفروا من بنى إسرائيل - إلى قوله - لبئس ما كانوا يفعلون » وإنما عاب الله ذلك عليهم لأنهم كانوا يرون من الظلمه الذين بين أظهرهم المنكر و الفساد فلا ينهونهم عن ذلك رغبه فيما كانوا ينالون منهم ورهبه مما يحذرون و الله يقول: « فلا تخشوا الناس و اخشون » و قال: « المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر » فبدأ الله بالأمر بالمعروف و النهى عن المنكر فريضه منه، لعلمه بأنها إذا ادت و أقيمت استقامت الفرائض كلها حينها و صعبها و ذلك أن الأمر بالمعروف و النهى عن المنكر دعاء إلى الاسلام مع رد المظالم و مخالفه الظالم و قسمه الفىء و الغنائم و أخذ الصدقات من مواضعها و وضعها فى حقها.

ثم أنتم أيتها العصابه عصابه بالعلم مشهوره و بالخير مذكوره و بالنصيحه معروفه و بالله فى أنفس الناس مهابه. يهابكم الشريف و يكرمكم الضعيف و يؤثركم من لا فضل لكم عليه و لا يد لكم عنده، تشفعون فى الحوائج إذا امتنعت من طلابها و تمشون فى الطريق بهيبه الملوك و كرامه الأكابر، أليس كل ذلك إنما نلتموه بما يرجى عندكم من القيام بحق الله و إن كنتم عن أكثر حقه تقصرون فاستخفتم بحق الأئمه، فأما حق الضعفاء فضيغتم و أما حقكم بزعمكم فطلبتم. فلا مالا بذلتموه و لا نفسا خاطرتم بها للذى خلقها و لا عشيره عاديتموها فى ذات الله. انتم تتمنون على الله جنته و مجاوره رسله و أمانا من عذابه.

لقد خشيت عليكم أيها المتمنون على الله أن تحل بكم نقمه من نقماته لأنكم بلغتم من كرامه الله منزله فضلتم بها و من يعرف بالله لا- تكرمون و أنتم بالله فى عباده تكرمون و قد ترون عهود الله منقوضه فلا تفزعون و أنتم لبعض ذمم آبائكم تفزعون و ذمه رسول الله صلى الله عليه و آله محقوره و العمى و البكم و الزمنى فى المدائن مهمله لا- ترحمون و لا- فى منزلتكم تعملون و لا- من عمل فيها تعينون و بالادهان و المصانعه عند الظلمه تأمنون، كل ذلك مما أمركم الله به من النهى

والتناهي وأنتم عنه غافلون.

وأنتم أعظم الناس مصيبه لما غلبتم عليه من منازل العلماء لو كنتم تشعرون. ذلك بأن مجارى الأمور والأحكام على أيدي العلماء بالله الأمناء على حاله وحراره فأنتم المسلوبون تلك المنزله وما سلبتم ذلك إلا بتفرقكم عن الحق واختلافكم فى السنه بعد البيئه الواضحه. ولو صبرتم على الأذى وتحملتكم المؤمنه فى ذات الله كانت أمور الله عليكم ترد وعنكم تصدر وإليكم ترجع ولكنكم مكتتم الظلمه من منزلتكم واستسلمتم أمور الله فى أيديهم، يعملون بالشبهات ويسرون فى الشهوات.

سلطهم على ذلك فراركم من الموت وإعجابكم بالحياه التى هى مفارقتكم، فأسلمتم الضعفاء فى أيديهم فمن بين مستبعد مقهور وبين مستضعف على معيشته مغلوب، يتقلبون فى الملك بأرائهم ويستشعرون الخزي بأهوائهم إقتداء بالأشرار وجرأه على الجبار، فى كل بلد منهم على منبره خطيب يصقع، فالأرض لهم شاغره وأيديهم فيها مبسوطه والناس لهم خول لا يدفعون يد لامس، فمن بين جبار عنيد وذى سطوه على الضعفه شديد، مطاع لا يعرف المبدئ المعيد فى عجا ومالى [لا] أعجب والارض من غاش غشوم ومتصدق ظلوم وعامل على المؤمنين بهم غير رحيم، فالله الحاكم فيما فيه تنازعنا والقاضى بحكمه فيما شجر بيننا.

اللهم إنك تعلم أنه لم يكن ما كان منا تنافسا فى سلطان ولا التماسا من فضول الحطام ولكن لنرى المعالم من دينك ونظهر الاصلاح فى بلادك ويأمن المظلومون من عبادك ويعمل بفرائضك وسننك وأحكامك، فإن لم تنصرونا وتنصفونا قوى الظلمه عليكم وعملوا فى إطفاء نور نبيكم. وحسبنا الله وعليه توكلنا وإليه أنبنا وإليه المصير. (١)

ترجمه فارسى قسمت نخست

يك سال قبل از وفات معاويه بن سفيان، حسين بن على عليه السلام همراه عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر به حج مشرف شدند. امام بنى هاشم، اعم از

ص: ١٩

١- . تحف العقول، ترجمه احمد جنتى، ص ٥١٨-٥٢٤؛ نیز در كتب جديد هم آمده است، مثل اهل بيت در قرآن و سنت، محمدى رى شهرى، قم، دارالحدیث، ج ١، ص ٤٩٨-٥٠٠.

مردان و زنان، نزدیکان و پیروان آنها، نیز اهل بیت خودش و کسانی که امام حسین علیه السلام را می شناختند، جمع کرد. نیز پیک هایی به جاهایی فرستاد تا اصحاب رسول خدا که معروف به صلاح و عبادت بودند هم دعوت شوند و در این تجمع حضور داشته باشند.

در منی جمعیتی بیش از هفتصد مرد (طبری در الاحتجاج، هزار مرد نوشته است)، دویست تن از آنان از اصحاب رسول خدا ولی بیشتر آنان از تابعین بودند و جمعیتی از دیگران حضور یافتند. امام حسین علیه السلام بپا خاست و سخنرانی را با حمد و ثنای کوتاه اینگونه آغاز کرد: سپاس خداوند و ثنا بر او باد، آنگاه گفت: می خواهم از شما چیزهایی پرسم، اگر راست گفتم، تصدیقم کنید و اگر دروغ گفتم تکذیبم کنید. از شما درباره حق الهی و حق رسول خدا و خاندانش که بر گردن شما است می پرسم. این وضعیت من است، با اینکه شما و همه مؤمنان ثقه سخنان درباره شأن مرا شنیده اند. آیا شما نسبت به حق ما آگاه هستید؟ همانا برای از بین رفتن حق و منسوخ شدن حقایق اسلام بیم دارم البته خداوند نورش را پاسداری کرده ولو اینکه کافران ناخوش باشند.

مناقب امیرالمؤمنین: همه دستورات قرآنی فراموش و ترک شده مگر تلاوت و تفسیر قرآن، مطالبی که رسول خدا درباره پدرش، برادرش، مادرش، خودش و اهل بیتش گفت، همه اینها فقط روایت می شود ولی عمل و التزام ندارید. همه این مطالب را صحابه گفته اند و ما شنیده ایم و شهادت می دهیم. نیز همه این نکات را تابعین هم تأیید کرده و گفته اند؛ حتی رسول خدا نیز همین طور گفت و ما تصدیق می کنیم و اطمینان داریم.

آیا می دانید علی بن ابیطالب برادر رسول خدا بود. هنگامی که مسلمانان بین همدیگر عقد برادری می بستند، پیامبر هم علی را برادر خودش ساخت و فرمود: تو برادر من هستی و من برادر تو در دنیا و آخرت هستم؟

جمعیت حاضر گفتند: خدایا بله درست است.

حضرت ادامه داد شما را به خداوند قسم می دهم آیا می دانید رسول خدا زمین مسجدش و منازل اش را خرید. ده بنا ساخت، نه بنا برای خودش و دهمین ساختمان را به پدرم اختصاص داد. آنگاه همه راه ها و درهای آن ساختمان ها را به مسجد مسدود کرد مگر در خانه پدرم؟ اما پس از اعتراضی که شد، رسول خدا

گفت: درهای شما را من مسدود نکردم و در خانه علی را من باز نکرده ام لکن خدا فرمان داد چنین کنم.

سپس دستور داد هیچ کسی در مسجد نخواستد مگر علی بن ابیطالب؟ حاضران گفتند: بله خدا را گواه می گیرم، آیا می دانید در روز غدیر خم، رسول خدا علی را روری دست گرفت و حدیث ولایت را خواند. و فرمود حاضران به غائبان خبر دهند؟ گفتند به خدا می دانیم.

آیا می دانید رسول خدا در غزوه تبوک در مورد علی گفت: تو نسبت به من به منزله هارون از موسی هستی و تو بر همه مؤمنان پس از من ولایت داری؟ حاضران تأکید کردند و گفتند می دانیم. آیا می دانید که رسول خدا به هنگامی که نضارای نجران را برای مباحله خواند، هیچکس جز علی، همسرش و دو فرزندش نیامدند؟ گفتند بله

آیا می دانید روز جنگ خیبر، وقتی پرچم را به علی می سپرد گفت: پرچم را به کسی می سپارم که خدا و رسول خدا او را دوست می دارند و او هم خدا و رسولش را دوست دارد؛ کژار (شجاع حمله کننده به دشمن) و غیر فزار است که خداوند پیروزی را به دستانش نزدیک می نماید؟ گفتند بله

آیا می دانید وقتی رسول خدا، علی را به منظور براثت فرستاد، فرمود: از جانب من کسی نمی آید مگر خودم یا کسی از خودم؟ گفتند بله

آیا می دانید: رسول خدا هر گاه مشکل شدیدی برایش رخ می داد، علی را به نام ای برادرم صدا می زد؟ گفتند بله.

آیا می دانید هنگامی که رسول خدا بین علی و جعفر و زید داوری کرد، فرمود یا علی تو از من هستی و من از تو هستم و تو ولی همه مردان و زنان مؤمن بعد از من هستی؟ حاضران پاسخ دادند بله.

آیا می دانید علی هنگام شب و خلوت رسول خدا در کنارش وارد می شد، وقتی از او چیزی می خواست، برآورده می کرد و به هنگام سکوت، شروع می نمود؟ پاسخ گفتند بله.

آیا می دانید، رسول خدا علی را بر جعفر و حمزه برتری دارد در وقتی که به فاطمه سلام الله علیها گفت: همسرت بهترین کسی از اهل بیت من است و در سلامت مقدم بر آنها، در صبر و حلم بزرگترین آنها و در علم بیشتر آنها است؟ گفتند بله.

آیا می دانید رسول خدا گفت: من آقای فرزندان آدم و برادرم علی آقای عرب و فاطمه بزرگ زنان بهشت و فرزندانش حسن و حسین آقای جوانان اهل بهشت؟ گفتند بله.

آیا می دانید، رسول خدا علی را مأمور کرد تا غسل و کفن و دفنش را انجام دهد، در حالی که جبرئیل هم مساعد و کمک او است؟ گفتند بله.

آیا می دانید، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین سخنرانی اش فرمود: ای مردم من در میان شما، دو چیز گرانبها را یعنی کتاب خدا و اهل بیتم را به یادگار می گذارم پس به آنها تسمک کنید تا گمراه نشوید؟ گفتند بله.

هر آنچه در قرآن و حدیث درباره علی بن ابیطالب علیه السلام و به ویژه درباره اهل بیتش وارد شده، مورد توجه و اهمیت است؟ صحابه گفتند بله ما هم شنیده ایم. و تابعین گفتند از موثق هایی مثل فلانی نقل شد.

امام حسین علیه السلام سپس حاضران را سوگند داد آیا این رخداد را درباره رسول خدا شنیده اند: رسول خدا فرمود هر کس گمان نماید مرا دوست دارد ولی با علی دشمنی ورزد، کاذب است. ممکن است مرا دوست داشته باشد و نسبت به علی دشمنی نماید. کسی پرسید چگونه؟ رسول خدا پاسخ گفت: زیرا علی از من و من از علی هستم لذا هر کس مرا دوست بدارد، علی را دوست داشته و هر کس علی را دوست داشته باشد در واقع مرا دوست می دارد. نیز هر کس با من دشمنی نماید، در واقع با علی دشمنی کرده و هر کس با علی دشمنی ورزد با من دشمنی نموده است. همگی گفتند بله شنیده ایم. آنگاه متفرق شدند.

ترجمه فارسی قسمت دوم و سوم

سخنان امام حسین علیه السلام در بیان «امر به معروف» و «نهی از منکر» که از امیرمؤمنان علیه السلام نیز نقل شده است:

ای مردم از پند و اندرزی که خداوند دوستان خود را به خاطر سخن ملامت باری که بر دانشمندان یهود فرموده؛ عبرت بگیرید، آنجا که [در قرآن] فرماید:

لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ، یعنی «چرا مریبان خداپرست و دانشمندان، آنان را از گفتار گناه آلودشان باز نمی دارند؟- مائده: ۶۳»، و [در آیه ای

دیگر] فرماید: لِعَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ - إِلَى قَوْلِهِ: لَيْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ يَعْنِي: «کسانی از فرزندان اسرائیل (یعقوب) که کافر شدند لعنت شدند- تا آنجا که فرماید:- آری، بد بوده است آنچه را که انجام می دادند- مائده: ۷۸»، و تنها دلیل انتقاد و بدگویی خداوند از ایشان این بود که آن افراد با اینکه اعمال منکر و ناپسند ستمکاران را مشاهده می کردند، ولی به جهت بهره ای که از آنان می بردند و هراسی که از آن بر حذر بودند، در منع و بازداشتن ایشان هیچ قدمی بر نمی داشتند. در حالی که خداوند می فرماید: فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اَخْشَوُا يَعْنِي:

«شما از مردم مترسید، و از من بترسید- مائده: ۴۴» و نیز فرماید: الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ يَعْنِي: «و مردان و زنان مؤمن دوستان و یاوران یک دیگرند، به کار نیک و پسندیده فرمان می دهند، و از کار زشت و ناپسند باز می دارند- توبه: ۷۱»، بنابراین خداوند به «امر به معروف» و «نهی از منکر» به عنوان فریضه ای از جانب خود سخن آغاز فرمود، چه او بر این مطلب واقف بود که اگر حق این دو مطلب ادا شده و تحقق پذیرد و بر پا ماند، تمامی واجبات چه آسان و چه مشکلش پایدار و استوار می گردد.

چرا که آن دو فراخوان و دعوتی است به اسلام، همراه با دفع ستمگری ها، و مخالفت با ستمگران، و تقسیم کردن بیت المال، و پخش غنائم، و دریافت زکات از جای خود، و پرداخت آن به محلّ مصرفش. سپس شما ای مردمان پرنفوذ، جماعتی هستید معروف به دانش و خوبی و خیرخواهی، و به واسطه خدا در دل دیگران مهابتی پیدا نموده اید، شرافتمند از شما حساب می برد، و ناتوان و ضعیف شما را گرامی می دارد، و آنان که با شما هم درجه و هم پایه اند و بر آنان حقّ نعمتی ندارید شما را بر خود مقدم می دارند. هر گاه نیازهای مردم از ایشان دریغ شود شما به شفاعت برمی خیزید چونان هیبت پادشاهان و ملوک، و عزّت بزرگان و سروران در کوی و برزن گذر می کنید، آیا جز این است که تمام اینها را تنها به جهت امیدی که مردم به بر پایی حقوق الهی به شما دارند نائل شده اید؟! هر چند که شما از ادای غالب حقوق خدایی در تقصیر و کوتاهی به سر می بردید و حقّ امامان را ناچیز و بی اهمیت می شمردید، امّا حقّ افراد ناتوان را پس پایمال ساختید، ولی حقّ خود را- بنا بر ادعایتان- طلب کردید. نه مالی را بخشش نمودید، و نه جانی را برای آفریننده اش به مخاطره انداختید، و نه با خویشاوندی برای رضای خدا به ستیز

پرداختید، [و با این حال] شما بر خدا آرزوی بهشت می کشید؛ و هم جواری با پیامبران؛ و امان از عذابش را خواهانید!! من بر شما جماعت آرزومند از خداوند؛ بیمناکم و در هراس، که مبادا گرفتار عذابی از عذاب های الهی؛ و مشمول عقوبت خداوند گردید، زیرا شما به یک مقامی از بزرگی رسیده اید که بدان بر دیگران برتری و ترجیح یافته اید- در حالی که افراد مشهور به خداپرستی احترام نشوند- و شما به خاطر خدا در میان مردم ارجمند شده اید، با چشم خود می بینید و ناظرید که پیمان های الهی شکسته شده؛ و هراس ندارید؟! با آنکه از شکستن پیمان پدرانتان در هراسید! عهد و پیمان رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم خوار و بی مقدار گشته، و کورها و لال ها و زمین گیرها در همه شهرها بی سرپرست و بی پناه مانده اند، و بر آنان رحم نمی شود، با این حال شما در حدّ مسئولیت خود نیز کار نمی کنید، و آن کس را که در این راه وظیفه اش را انجام می دهد یاری نمی کنید! به مسامحه و سازش با ستمگران خود را آسوده می دارید، و تمام اینها از جهت آن است که خداوند فرمان جلوگیری از منکرات و بازداشتن مردم را از آنها داده، و شما از آن غافلید و بدان بی توجه! و شما از این لحاظ گرفتارترین مردمید! و سهم بیشتری از این مصیبت را دارید، زیرا شما در حفظ مقام رفیع علمی دانشمندان، مقلوب و دچار شکست شدید، و ای کاش می دانستید، یا کوشش و تلاشی داشتید.

این بدین خاطر است که زمام امور به دست افرادی است، که عالم به احکام خدا، و حلال و حرامند، و شما می دانید که دارای این مقام بودید و از دستتان گرفتند، و آن را تنها بدین سبب از شما به تاراج بردند که از حقّ پراکنده شدید، و در سنتّ [پیامبر]- با وجود دلیل روشن- اختلاف کردید، در حالی که اگر بر آزار و گرفتاری ها شکیبایی کرده بودید، و در راه خدا مخارج را تحمیل می نمودید، زمام امور الهی به شما برمی گشت، و از جانب شما به اجرا در می آمد، و به شما ارجاع می شد، اما [افسوس!] که در حفظ مقام خود پایه های ظلم و ستم را استوار ساختید، و زمام امور خداوندی را به دست ایشان سپردید، تا با شبهه و تردید کار کنند، و در شهوت و دلخواه خود پیش رفته و در آن غوطه ور باشند، و آنچه موجب سلطه اینان بر این مقام شد؛ گریز و ترس شما از مرگ؛ و خشنودیتان به زندگی این سرا بود، که چند روزه و ناپایدار است. افراد ناتوان را زیر دست ایشان ساختید، تا برخی را برده و مقهور کنند، و برخی را برای لقمه نانی بیچاره! و مملکت اسلامی را با نظرات

[فاسد] خود دستخوش تغییر و تحوّل قرار بدهند، و در جهت پیروی از اشرار؛ و دلیری و جرأت بر جبار، رسوایی و هوسرانی را برای خود هموار و صاف سازند، در هر شهری گوینده ای از ایشان بر فراز منبر داد سخن می دهد، و همه جا در تصرّف و تحت نفوذ ایشان است، و دستشان در همه جا باز می باشد، و مردمان بی هیچ دفاعی بوده آنان و در اختیار ایشانند، و عاجز از هرگونه دفاع از خود در بین زورگویی معاند، و فرمانروایی سختگیر بر ناتوان- که هیچ اعتقادی به خدا و معاد ندارد- گرفتارند، شگفتا! و چرا در شگفت نباشم، در حالی که زمین در تصرّف خائنی است بیدادگر، و باجگیری نابکار، و تحت نفوذ مردی است نامهربان و بی ترحم بر مؤمنان. و خدا در آنچه ما در کشمکش آنیم حاکم باشد، و همو به حکم خود در بین ما داوری نماید.

خداوندا! تو خود آگاهی که آنچه از ما گفته شد نه به جهت چشم داشت در سلطه گری بود، و نه به آرزوی مال دنیا، لیکن برای آن بود تا نشانه ها و آثار دینت را نمایان سازیم، و در شهرهای اصلاح کنیم، باشد که بندگان ستم دیده ات آسوده خاطر گردند، و در پرتو آن امتیّت به واجبات و آداب و دستورات عمل کنند، پس چون شما یاریمان نکردید و درباره ما انصاف نداشتید بنابراین ستم پیشگان بر شما قدرت یافتند، و در خاموش ساختن نور پیامبران کوشیدند، و خدا ما را کافی است، بر او توکل کرده ایم، و به سوی او بازگشتیم، و بازگشت [همه] به سوی اوست.

اهمیت گفتار امام

سخنرانی امام حسین علیه السلام برای نخبگان جهان اسلام در سال ۵۸ق (و بنا بر یک قول در سال ۶۱ق) یعنی در شرایطی که معاویه در اوج قدرت است، گویای وضعیت معلولان در آن زمان است. نظر به اینکه خود سلیم در متن قضایا و حوادث جهان اسلام بوده و واقف بر امور است، از این رو این روایت اهمیت خاصی دارد. ویژگی های متن سلیم را بعداً بیشتر معرفی می کنم.

امام حسین علیه السلام در این متن تلاش نموده جامعه را آسیب شناسی کند، سنت های نبوی و علوی و ارزش های حاکم بر جامعه نبوی را معرفی نموده، سپس به مردم بگوید معاویه و خاندان سفیانی درصدداند این سنت ها را از بین ببرند و طرز فکر خودشان را مسلط کنند. از این رو متن این سخنرانی در شناخت جامعه آن دوره

و شناخت برنامه های امام حسین علیه السلام بسیار اهمیت دارد.

قبلاً گفته شده سخنرانی حضرت تقطیع و پاره پاره شده است. مهم ترین منابعی که این سخنرانی را آورده اند عبارت اند از:

۱. سلیم بن قیس هلالی (درگذشت ۹۰ق) به تناسب بحثی که دارد فقط بخش اول خطبه را ذکر می کند و تاریخ و محل ایراد خطبه را نیز مشخص می نماید. (۱)

۲- حسن بن شعبه حرّانی از محدثان قرن چهارم در تحف العقول (۲) به نقل بخش دوم و سوم خطبه اکتفا کرده است. علامه مجلسی نیز در بحار الانوار (۳) به نقل از تحف العقول، این دو بخش را آورده است.

۳- احمد بن علی طبرسی (درگذشت ۵۸۸ق) ضمن اشاره به انگیزه ایراد این خطبه - که ظلم و فشار بیش از حد معاویه بوده - خلاصه ای از آن را در چند سطر نقل و تصریح می کند این خطبه دو سال قبل از مرگ معاویه و در منا و در حضور بیش از هزار نفر از شخصیت های مذهبی آن روز ایراد گردیده است. (۴)

علت چند پاره شدن آن، منوط به هدف علما است؛ یعنی هر یک از عالمان و مورخین به اقتضای بحثی که داشته اند، قسمتی از خطبه که با آن بحث سازگارتر است آورده اند. آنان به تناسب بخشی از خطبه را نقل کرده اند و هر یک از مورخان و محدثان و علما و محققان به نقل بخشی از آن که ارتباط به بحث شان داشته بسنده نموده و از نقل بقیه خطبه صرف نظر کرده اند و حتی گاهی تنها به نقل یک جمله از آن اکتفا و گاهی نیز به محتوای مجموع خطبه اشاره نموده اند.

البته برخی بر این باورند خطبه ای که در تحف العقول نقل شده خطبه مجزایی است که امام حسین علیه السلام در سالی دیگر قرائت کرده است. شاهد بر این مطلب را نیز محتوای دو خطبه و مخاطبان مختلف آن دو ذکر کرده اند. (۵)

اما شواهد و قرائن گویاست که، امام حسین علیه السلام این خطبه مهیج و اعتراضی را در سال ۵۸ق، یعنی دو سال قبل از مرگ معاویه علیه انحرافات حکومت

ص: ۲۶

۱- کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۳۲۰-۳۲۳.

۲- تحف العقول، ص ۵۱۸-۵۲۴.

۳- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۷۹، ح ۱۷.

۴- الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۱۷.

۵- تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء، گروهی از تاریخ پژوهان، ج ۱، ص ۳۹۲.

اموی بیان کرده است. اهمیت این خطبه در منا و در ایام حج، افشاگری امام علیه حکومت معاویه بود. برخی تحلیل گران این خطبه را که در حضور صحابه و تابعین قرائت شد نشانه برنامه امام حسین علیه السلام برای قیام کربلا می دانند.

سلیم بن قیس در طلعه خطبه می گوید: یک سال قبل از مرگ معاویه، حسین بن علی علیه السلام با عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر به حج رفتند. امام حسین علیه السلام مردان و زنان و یاران بنی هاشم و آن عده از انصار را که او و خاندانش را می شناختند جمع کرد. سپس چند نفر را فرستاد و فرمود: همه کسانی را که امسال از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معروف به صلاح و عبادت اند و به حج آمده اند، نزد من جمع کنید.

این سخنرانی تنها متنی است که توسط معصومین علیهم السلام تماماً درباره معلولین بیان شده و به از نظر محتوا و به لحاظ مخاطبان و نیز زمان و مکانی که ایراد شده اهمیت بسیار دارد. اکنون به بیان این ویژگی های مهم می پردازیم.

دعوت شدگان: در پی این دعوت بیش از هفتصد نفر که بیشتر آنان از تابعین و حدود دویست نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند در منا در خیمه آن حضرت گرد آمدند. امام در میان آنان برای ایراد خطبه برخاست و پس از حمد و ثنای الهی فرمود:

درباره اهمیت این خطبه نوشته اند: یکی از نکات مهم در این خطبه قبل از بیان محتوای آن، انتخاب زمان حساس و مکان مناسب و دعوت از شخصیت های اسلامی و شرکت دادن زنان و مردان نخبه بنی هاشم و اصحاب مهاجر و انصار رسول خداست که دویست نفر از حضار مجلس را کسانی تشکیل می دادند که افتخار صحابگی و درک فیض حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را داشتند و بیش از هشتصد نفر دیگر نیز از نسل بعد از صحابه یعنی از (تابعین) بودند. (۱)

این خطبه افشاگری علیه حکومت معاویه و مقدمه ای برای واقعه کربلا بود. امام علی علیه السلام با این تدبیر و با توجه به امکانات آن روز، در میان حاضران موج و حرکتی ایجاد کرد تا حاضران پیام امام را در بازگشت به سرزمین هایشان به دیگران منتقل کنند و زمینه بیداری آنان را فراهم آورند. (۲)

ص: ۲۷

۱- سخنان حسین بن علی علیه السلام، به کوشش نجمی، ص ۳۶۸.

۲- تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء، ج ۱، ص ۳۹۴.

به ویژه مظلومیت و آسیب مندی معلولان را نشان داد تا بی عدالتی جامعه عیان تر و شفاف تر معرفی گردد. در طول تاریخ این تجربه به دست آمده که معلولان و افراد آسیب دیده سوژه های مؤثر تبلیغاتی هستند. به همین دلیل اصحاب کلیسا و رهبران مسیحیت در دوره جدید معلولان را وسیله ای برای ترویج و توسعه مسیحیت قرار داده اند. و با استفاده از مشکلات معلولان در صدد برآمده اند بگویند اسلام و مسلمانان کاری برای این قشر نکرده و اساساً نمی توانند کاری انجام دهند و برعکس با بزرگ نمایی خدمات خودشان به معلولان تلاش نموده اند جامعه را مجذوب کلیسا نمایند.

زمان و مکان: امام این سخنرانی را در زمان خاص و در مکان ویژه انجام داد تا حداکثر تأثیر را داشته باشد. به لحاظ زمانی معاویه در تلاش بود حاکمیت اسلامی را تبدیل به حکومت موروثی کند و پسرش یزید را جانشین خود نماید. یزید پلیدترین فرد و دارای رذایل اخلاقی بسیار بود. معاویه سران قبایل و نخبگان جامعه را انواع شیوه ها و دسیسه ها خریده یا ساکت کرده بود. امام حسین علیه السلام در صدد بود نخبگانی که هنوز جذب دستگاه اموی نشده بودند تحریک کند تا جبهه حق را تقویت نماید. شرایط حادث و سرنوشت ساز بود و فرصت اندک. از این رو امام حسین علیه السلام از همه توانمندی های خود استفاده کرد. او مکه را به عنوان محل این سخنرانی برگزید. یعنی مکان مقدسی که در ایام حج اکثر مردم و نخبگان تجمع دارند و مردم را می توان زودتر بسیج کرد.

محتوای سخنرانی: از نظر ساختاری این خطبه سه قسمت مهم دارد:

۱- جایگاه و اهمیت امیرمؤمنان و خاندان عصمت و بیان آیات و روایاتی که در شأن، منزلت و فضیلت اهل بیت مخصوصاً امام علی علیه السلام نازل و بیان شده است؛ از جمله به معرفی تأثیر و اهمیت امام علی علیه السلام در وقایع سرنوشت ساز مثل واقعه غدیر خم، مباحله، فتح خیبر به دست امیرالمؤمنین و یا جایگاه امام علی علیه السلام در مباحث فکری و نظری و خط مشی اعتقادی مثل اتکا بر قرآن و عترت در کنار هم.

۲- دعوت به امر معروف و نهی از منکر و تأکید بر اهمیت این وظیفه اسلامی.

۳- یادآوری وظیفه علما و لزوم قیام آنان در مقابل ستمگران و مفسد و نیز گوشزد کردن مضرات سکوت عالمان در مقابل زورگویان و آثار زیانبار و خطرناک سهل انگاری آنان از انجام این وظیفه بزرگ الهی.

امام علیه السلام در پایان خطبه می فرماید: خدایا! تو می دانی که آنچه از ما سر زد، برای رقابت در فرمانروایی و نیز دسترسی به مال بی ارزش دنیا نبود، بلکه از آن روست که نشانه های آیین تو را بنمایانیم و سر و سامان بخشی را در سرزمین هایت آشکار سازیم تا بندگان ستمدیده تو آسوده گردند و به فرایض و سنن و احکام تو عمل کنند.

اما از نظر پیام رسانی، این خطبه دو قسمت مهم دارد:

۱- بخش نخست درصدد آسیب شناسی است. یعنی مبانی و وضعیت مقبول را معرفی کرده، سپس تحول از وضع مطلوب به وضع نامطلوب را توضیح می دهد.

۲- در بخش دوم به تحلیل وضعیت عینی آسیب مندان می پردازد و شرایط آنان در چنین جامعه ای را گزارش می دهد.

چون امام حسین علیه السلام این خطبه را در سال ۵۸ق، دو سال قبل از مرگ معاویه و در منا خواند. در این زمان فشار معاویه بر شیعیان به اوج رسیده بود و در فضای اجتماعی سیاسی خفقان حاکم بود. چنان که سلیم بن قیس برای نشان دادن انگیزه امام حسین علیه السلام از خواندن این خطبه و توضیح شرایط محیطی آن روزگار، پیش از نقل خطبه، چهار بخشنامه معاویه به کارگزارانش را می آورد و درباره پیامدهای آنها سخن می گوید.

به گفته سلیم بن قیس معاویه در بخشنامه اول از کسانی که درباره امام علی علیه السلام و خاندانش فضیلتی نقل کنند، تبری می جوید و حمایتش را از آنان برمی دارد. او همچنین دستور می دهد شهادت شیعیان را نپذیرند و هر کس که برای عثمان فضیلتی نقل کرد، حقوق و مزایا معین کنند. همچنین معاویه در بخشنامه دوم دستور داد درباره فضائل صحابه و دو خلیفه (عمر و ابوبکر) حدیث نقل کنند و مشابه فضایل امام علی علیه السلام را برای صحابه بیاورند و این کار را باعث چشم روشنی خودش و کوبیدن ابو تراب خواند.

بنا به نقل سلیم بن قیس، او در بخشنامه سوم نوشت مراقب مردم باشند و هر کس متهم به دوستی با علی علیه السلام و خاندانش بود، اسمش را از دیوان و دفتر حقوق و مزایا محو کنند و سهمیه اش را از بیت المال قطع کنند. در بخشنامه چهارم آمده بود: هر کسی را که متهم به دوستی خاندان علی باشد تحت فشار شدید قرار بدهید و خانه او را بر سرش خراب کنید تا برای دیگران عبرت باشد.

دو تن از راویان قدیمی این حدیث یعنی سلیم بن قیس هلالی و ابن شُعْبَه حرانی را لازم است معرفی کنیم تا به صحت و اهمیت این روایت بیشتر آگاه شویم.

سلیم بن قیس هلالی دو سال قبل از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه چشم به جهان گشود. نام کامل او ابو صادق سُلَیْم بن قَیْسِ هِلَالِی عامری کوفی است. از یاران خاص امیرالمؤمنین علیه السلام است. به هنگام رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دوازده ساله بود. در زمان حیات رسول خدا و در عهد خلافت ابابکر به مدینه نیامد و در سال ۱۶ق در عهد خلافت عمر به مدینه مهاجرت کرد و اقامت گزید.

سلیم در جنگ جمل در سال ۳۵ق؛ در جنگ صفین در سال ۳۶ق، در جنگ نهروان در سال ۳۹ق حضور جدی داشت و حوادث بسیار را گزارش کرده است. بعد از شهادت امام علی علیه السلام، سلیم در کوفه اقامت داشت. اما بعد از انتقال امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام به مدینه همراه آنان به مدینه رفت.

وقتی امام حسین علیه السلام نخبگان را در منا جمع کرد و خطبه ایراد کرد، سلیم حضور داشت. اما وضع زندگی او از سال ۶۰ تا ۷۵ق معلوم نیست. ولی همراهی و ملاقات هایش با امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام گزارش شده است.

در سال ۷۵ق، سلیم در کوفه بود و حجاج از والی کوفه خواست تا سلیم را به قتل برساند. سلیم با خبر شد و به بصره گریخت. سپس به ایران و به شهر نوبندگان فرار کرد. و در این شهر بیمار شد و درگذشت. (۱)

سُلَیْم توسط چند امام علیه السلام تأیید شده و اعتدال و عدالتش را همواره بزرگان تشیع بر عدالت او صحه گذاشته اند.

اما کتابش را نخستین اثر پس از قرآن و آثار امامان علیهم السلام دانسته اند (۲) و به چندین زبان مثل انگلیسی، فارسی وارد و ترجمه شده است.

ابو محمد حسن بن علی معروف به ابن شعبه حرانی از فقهاء و محدثین و دانشمندان شیعه در سده چهارم قمری بود. او در بغداد سکونت و حوزه درس و

ص: ۳۰

۱- مقدمه کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۶۹-۷۳.

۲- مقدمه آقای زنجانی بر کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۷۲-۷۹.

تدریس داشت. او استاد شیخ مفید (درگذشت ۴۱۳ق) بوده است. گلچینی از روایات معصومین را گردآوری و کتاب تحف العقول عن اخبار الرسول را تألیف کرد. (۱)

آسیب شناسی اجتماعی - فرهنگی

سیره حسینی عبارت بود از: آگاه کردن جامعه و اطلاع رسانی نسبت به سنت ها و ارزش های جامعه اسلامی در دوره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام و معرفی تلاش های امویان در از بین بردن این سنت ها و ارزش ها و بازگرداندن جامعه به دوره جاهلیت.

بهترین منبع در شناخت این سیره، کتاب سلیم بن قیس است. زیرا او اساساً با همین نگاه برای اولین بار شروع به پژوهش، جمع آوری اسناد تاریخی و روایات و تألیف نمود. سلیم بر خلاف همه مورخان قرون نخست اسلامی، رویکرد و گرایش دیگر داشت. او می خواست به آسیب شناسی جامعه اسلامی در قرون نخست پردازد و در پی یافتن ریشه ها و علل و عوامل مسیر و حرکت جامعه بود.

رویکرد او متخذ و ناشی از باورهای شیعی هم بود و با تکیه بر آموزه ها و باورهای شیعه به آسیب شناسی فرهنگی و اجتماعی روی آورد. بر این اساس کتابی در ۴۸ بخش و متکی بر ۴۸ حدیث محوری ساخت. البته بعدها کسان دیگر چند مستدرک به آن افزودند و کتابش را به ۹۸ بخش توسعه دادند. ولی ساختار اولیه آن، ۴۸ بخش دارد.

سلیم تلاش کرده ۴۸ موضوع محوری و زیربنایی را کشف کند و انحراف اجتماعی و فرهنگی و جامعه اسلامی در قرون اول را بر اساس این محورها تجزیه و تحلیل نماید. برخی از این موضوعات عبارت اند از: سقیفه؛ سخن پیامبر در لحظات پایانی عمرش؛ اختلاف امت و تشکیل فرق؛ اسلام و ایمان؛ فعالیت های فرهنگی و اعتقادی علی علیه السلام در دوره خلفا؛ بدعت ها در دوره خلفا؛ محبت رسول خدا نسبت به حسن و حسین علیه السلام؛ خط مشی و اهداف معاویه؛ غدیر خم.

سلیم در بخش ۲۶ کتابش، پنج سند در شناخت اهداف و خط مشی معاویه

ص: ۳۱

آورده است. سلیقه سلیم در گزینش این اسناد و کنار هم آوردن آنها بسیار ستودنی است و به خوبی توانسته بر اساس اسناد دست اول و مؤثر چهره معاویه و اقداماتش در ایجاد انحرافات فرهنگی و اجتماعی را بشناساند.

اولین سند متنی از قیس بن سعد در نقد و ردّ معاویه به نام «احتجاجات قیس بن سعد علی معاویه»؛ سند دوم بخشنامه معاویه به همه بلاد و تمام عمالش جهت لعن علی بن ابیطالب در منابر و خطبه ها و برائت از حضرت و نفی مناقب مشهور از خاندان اهل بیت علیهم السلام است؛ سند سوم ردّیه و نقد ابن عباس با عنوان «احتجاجات ابن عباس علی معاویه»؛ سند چهارم خط مشی معاویه در شدت گرفتن بر شیعیان و تقویت دیدگاه های مخالفان شیعه است. این خط مشی دارای چهار فصل بود: تقویت پیروان عثمان و ترویج مناقب او؛ احیای اسم ابی بکر و عمر؛ آموزش مناقب کاذب به کودکان و زنان و ترویج فرهنگ مداحی و فضیلت سرایی برای ابوسفیان و اهل بیت او؛ افزایش فشارهای اجتماعی و اقتصادی بر طرفداران علی علیه السلام و شیعیان مثل تهمت زدن به آنها؛ پاک کردن اسم آنان از دفاتر بیت المال و نپرداختن حقوق مالی آنها و بر کنار کردن آنها از مدیریت ها و پست ها؛ بالاخره آخرین سند با عنوان «مناشدات و احتجاجات الامام الحسین علیه السلام بمکه» است. استدلال امام حسین علیه السلام به مقبولات تاریخی و اسناد مشهور و اخذ تأیید از صحابه و تابعین در مشروعیت خط مشی و باورها و اهداف امام علی علیه السلام و خاندانش و عدم مشروعیت اقدامات معاویه. این سند بخشی از سخنرانی امام حسین علی السلام در مکه است که سلیم در کتابش آورده است.

امام حسین علیه السلام پانزده تأییدیه از نخبگان بسیار حاضر در محل می گیرد. این پانزده فقره به صورت قال و نعم است. یعنی امام حسین علیه السلام فرمود مثلاً رسول خدا، علی را بر جعفر و حمزه برتری دارد و حضار می گفتند بله شنیده ایم و قبول داریم.

سه فقره هم با عبارت های دیگر تأیید می گیرد و در مجموع هجده تأیید مهم تاریخی از صحابه و تابعین حاضر در آنجا گرفته است. اینها اسناد مهم تاریخی در نقد خط مشی معاویه و حقانیت خط مشی امام علی علیه السلام است. (۱)

ص: ۳۲

امام حسین علیه السلام دیدگاه ها و راه کارهای دیگر برای اصلاح وضع جامعه بیان کرده است. این دیدگاه ها عام و برای همه اقشار جامعه و از جمله معلولین است. معلولین می توانند از این سخنان هم درس گرفته و راه موفقیت را باز شناسند.

۱. و قَالَ عِنْدَهُ رَجُلٌ: إِنَّ الْمَعْرُوفَ إِذَا أُسْدِيَ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ ضَاعَ. فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ كَذَلِكَ، وَ لَكِنْ تَكُونُ الصَّنِيعَةُ مِثْلَ وَابِلِ الْمَطْرِ تُصِيبُ الْبَرَّ وَالْفَاجِرَ .

مردی در محضر آن حضرت گفت: محبت و احسان به نااهل به هدر رود، حضرت فرمود: چنین نیست، نیکی همانند باران است که بر نیک و بد می بارد. (۱)

حضرت توصیه می فرماید نیک و رز و نیکی کننده نباید به منافع آن نگاه کند و نباید داوری کند فلانی اهلیت دارد، پس باید به او کمک کنم و فلانی، صلاحیت ندارد و نباید به او مساعدت کنم. در ضرب المثل فارسی هست که «تو نیکی کن و در دجله انداز، که ایزد در بیابانت دهد باز» یا «در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست».

حضرت می فرماید نیکی مثل باران بر همه می بارد ولی به هر کس به گونه ای نفع می رساند و برای همه سودمند است.

امام حسین علیه السلام از این طریق خواسته، احسان و نیکوکاری در جامعه گسترش پیدا کند.

۲. و قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَخَذَ اللَّهُ طَاقَهُ أَحَدٍ إِلَّا وَضَعَ عَنْهُ طَاعَتَهُ وَلَا أَخَذَ قَدْرَتَهُ إِلَّا وَضَعَ عَنْهُ كَلْفَتَهُ.

خدا طاقت هر کس را بگیرد طاعت از او نخواهد، و قدرت هر کس را بستاند بار تکلیف از دوشش بردارد. (۲)

امام حسین علیه السلام در این روایت رابطه معکوس قدرت و طاعت یا قدرت و تکلیف را توضیح می دهد. اسلام برای هر کس به اندازه توانایی ها و توانمندی هایی که دارد تکلیف و وظایف مشخص کرده است. کسی که نمی تواند ایستاده نماز

ص: ۳۳

۱- تحف العقول، ص ۵۳۰-۵۳۱.

۲- همان

بخواند، نشسته و حتی خوابیده نماز می خواند.

این روایت قاعده کلی را برای آسیب مندان و معلولین مشخص کرده است. بر این اساس نهادهای دولتی می توانند با افزایش توانایی های معلولان، حضور اجتماعی و وظایف اجتماعی آنها را هم بیشتر نمایند. بنابراین مفهوم این حدیث، دستور العملی برای حاکمیت است و امام به حاکمیت و مدیران توصیه می کند انسان هایی که توانایی فکری مثل سواد یا فرهنگی مثل معلومات و دانش یا توانمندی های جسمی ندارند، وظیفه ای هم به گردن آنها نیست ولی در روایات دیگر توصیه شده انسان ها مسئولیت دارند و حداقل باید در سرنوشت خود سهم باشند، از این رو لازم است به افزایش توانمندی ها و مهارت های آنان افزود.

۳. و کتب إلى عبد الله بن العباس حين سیره عبد الله بن الزبير إلى اليمن: أما بعد بلغني أن ابن الزبير سيرك إلى الطائف فرجع الله لك بذلك ذكرا و حطّ به عنك وزرا و إنما يتلى الصالحون. ولولم تؤجر إلا فيما تحبّ لقلّ الأجر، عزم الله لنا ولك بالصبر عند البلوى و الشكر عند النعمى و لا أشتت بنا و لآبك عدوّا حاسداً أبداً والسلام.

آنگاه که عبدالله زبیر، عبدالله بن عباس را به یمن تبعید کرده بود، حضرت این نامه را برای ابن عباس نگاشت: اما بعد، خبر یافتم پسر زبیر تو را به طائف تبعید کرده، خداوند بدین وسیله نام تو را بالا برده و گناهت را فرو نهاده، این شایستگانند که گرفتار می شوند، اگر پاداش (الهی) تنها برای (کارهای مطلوب) و باب طبع بود اجر، اندک می شد، خداوند برای ما و تو صبر در مصیبت و شکر در نعمت را مقدر فرماید، و دشمن حسود را به ما شاد نفرماید والسلام. (۱)

حضرت در این روایت رابطه پاداش با سختی ها و محنت ها را بیان فرموده است. زندگی بدون سختی وجود ندارد ولی هر مقدار سختی ها بیشتر باشد، پاداش افراد هم بیشتر است.

۴. و قال عليه السلام: الإخوان أربعة: فأخ لك وله. و أخ لك. و أخ عليك. و أخ لالك و لاله، فسئل عن معنى ذلك؟ فقال عليه السلام: الأخ الذي هو لك و له فهو الأخ الذي يطلب بإخائه بقاء الإخاء، و لا يطلب بإخائه موت الإخاء، فهذا لك و له لأنه إذا تمّ الإخاء طابت حياتهما جميعا و إذا دخل الإخاء في حال التناقض بطل جميعا. و الأخ الذي هو لك فهو الأخ الذي قد خرج بنفسه عن حال الطمع إلى حال الرغبه

ص: ۳۴

فلم يطمع في الدنيا إذا رغب في الإخاء فهذا موفر عليك بكليته. و الأخ الذي هو عليك فهو الاخ الذي يترتب بك الدوائر و يغشى السرائر و يكذب عليك بين العشائر و ينظر في وجهك نظر الحاسد فعليه لعنه الواحد. و الأخ الذي لالك و لاله فهو الذي قد ملأه الله حمقاً فأبعده سحقاً فتراه يؤثر نفسه عليك و يطلب شحاً ما لديك.

برادران چهار گونه اند: ۱. به نفع تو و خود ۲. به نفع تو ۳. به ضرر تو ۴. نه به نفع تو و نه به نفع خود، پرسیدند: مقصود چیست؟ فرمود: نخست برادری است که از پیوند برادری پایداری آن را خواهد نه مرگش را (به دوام دوستی علاقه مند است) این به سود هر دو است، زیرا اگر برادری ادامه یابد زندگی هر دو شیرین شود، و اگر درهم ریزد یکسره باطل شود (و هر دو زیان بینند). دوم برادری است که طمع در طرح دوستی نداشته، بلکه شیفته و علاقه مند شخص رفیق است، و منظور دنیوی ندارد، این برادر تمام وجودش را به تو سپارد. سوم برادری که پیوسته چشم به راه گرفتاری و محنت توست، اسرار را فاش کند (کلمه «یغشی» ظاهراً «یفشی» بوده و همین طور ترجمه شد) در قبیله ها دروغ بر تو بندد و به رؤیت چون حسودان بنگرد، لعنت خدای یکتا بر این رفیق. چهارم برادری است که خدا سرپای وجودش را از حماقت انباشته، و (از رحمت خود) دورش ساخته، خود را بر تو مقدم دارد و از سر بخل چشم طمع به مال تو دوزد. (۱)

این روایت به معرفی انواع انسان ها و بیان روابط انسان ها در جامعه می پردازد. هر کس تلاش کند از انسان های احمق یعنی دسته چهارم به طرف دسته اول و دوم برود به خوشبختی نزدیک شده است.

۵. و قال علیه السلام: من دلائل علامات القبول: الجلوس إلى أهل العقول. و من علامات أسباب الجهل المماراه لغير أهل الكفر، و من دلائل العالم انتقاده لحديثه و علمه بحقائق فنون النظر.

همنشینی خردمندان نشان پسندیده بودن است، ستیزه با غیر کافر علامت جهل است. نقادی از گفتار خود، و علم به حقایق اقسام نظر (و مسائل علمی) دلیل علم و دانش است.

حضرت چهار علامت (علت) برای موفقیت می شمارد: همنشینی با عقلاء، ستیزه با غیر کافران؛ خود انتقادی و علم به دانش های نظری و حرفه های عملی.

ص: ۳۵

این روایت در دوره ای بیان شده که مسلمانان در تلاش بودند با ارتباط با تمدن های آن دوره یعنی ایران و روم، وضع عقب مانده حجاز را تغییر دهند. هر چهار عاملی که می شمارد گویای این است که تعاملات و ارتباطات با جهان متمدن مقبول است. همنشینی با آنان، تساهل و تسامح و عدم ستیز با کسانی که توطئه گر نیستند، در هر مرحله بازکاوی و نقد خود و بالاخره افزایش دانش های نظری و عملی و کاربردی در این دوره هم اهمیت دارد.

۶. و قال علیه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ اتَّخَذَ اللَّهُ عَصْمَتَهُ، وَقَوْلُهُ مَرَّاتَهُ، فَمَرَّةٌ يَنْظُرُ فِي نَعْتِ الْمُؤْمِنِينَ وَتَارَةً يَنْظُرُ فِي وَصْفِ الْمُتَجَبِّرِينَ، فَهُوَ مِنْهُ فِي لَطَائِفٍ، وَ مِنْ نَفْسِهِ فِي تَعَارُفٍ. وَ مِنْ فِطْنَتِهِ فِي يَقِينٍ، وَ مِنْ قُدْسِهِ عَلَى تَمَكِينٍ.

مؤمن خدا را پناه خود گیرد، و گفتار او را آئینه خود سازد، گاه در صفاتی که از برای مؤمنان فرموده بنگرد و گاه در اوصاف متکبران، لطیفه ها از آن بگیرد، خود را درست بشناسد، با زیرکی به مقام یقین رسد، و بر تزکیه و تهذیب نفس توانا باشد.

۷. و قال علیه السلام: إِيَّاكَ وَ مَا تَعْتَذِرُ مِنْهُ، فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَسِيءُ وَ لَا يَعْتَذِرُ وَ الْمُنَافِقُ كُلُّ يَوْمٍ يَسِيءُ وَ يَعْتَذِرُ.

از کاری که باید از آن پوزش خواست حذر کن که مؤمن نه بد کند و نه عذر خواهد، و منافق هر روز بد کند و معذرت طلبد. (۱)

این هفت دستور العمل از امام حسین علیه السلام گویای خط مشی ایشان در جامعه سازی است. یعنی برنامه های عملی برای ساختن جامعه ایده آل و مطلوب را در این روایات بیان کرده است.

ص: ۳۶

برگردان سخنرانی امام به شعر

برای اولین بار خطابه سوزناک امام حسین علیه السلام درباره وضعیت نامناسب معلولان به صورت شعر عرضه می گردد.

صحبت اینجا بُود ز دین حسین

می رسد باز اربعین حسین

ای خدا این حسین آیا کیست؟

شور این مکتب حسینی چیست

شعله ی عشق او افزون گشته

که ز حدّش کنون برون گشته

خون پاک حسین در جوش است

که نوایش همیشه در گوش است

این که مردم پیاده در راهند

از حسین علی چه می خواهند

در مسیرند جمله معلولان

همه با عشق و غیرت و ایمان

همگی گرچه ناتوان هستند

دل به یاران کربلا بستند

چون حسین در حمایت آنان

خطبه خوانده برای معلولان

پدرش حامی یتیمان بود

یاور و مونس ضعیفان بود

زین سبب هر دلی پُر از غوغاست
هر نگاهی به سوی کرب و بلاست
همه پرسند این نواها چیست؟
این همه شور و عشق و غوغا چیست
که گذشته هزار و اندی سال
این شرر سرکش است در هر حال
چون که در مظهر عدالت بود
در قبال ستم قیام نمود
دست بیعت نداد چون به یزید
در جهان او بدین مقام رسید
او به خون درس استقامت داد
جرأت و قدرت شهادت داد
نغمه ز آزادگی اگر سر داد
چون که او بود دشمن بیداد
همه جا او مدافع حق بود
جانب حق همیشه روی نمود
دست بیعت به ظالمین چو نداد
در ره دین حق ز پا افتاد
خون پاک حسین در جوش است
نغمه هایش همیشه در گوش است

داشت ایشان نظر به معلولان

خواستار معیشت آنان

شاهد بی عدالتی ها بود

نگران از برای آنها بود

ص: ۳۹

شاهد بی عدالتی ها بود

نگران از برای آنها بود

زین سبب خطبه ای که ایشان خواند

دل به آسیب دیدگان هم داد

می کنم خطبه را به شعر بیان

که اشاره شده به معلولان

نشست با بزرگان جهان اسلام

چون حسین رو به سوی حج بنمود

چند تن نیز همره او بود

همه از پیروان و نزدیکان

نیز مردان، زنان با ایمان

همه غمخوار و یار او بودند

همه جا در کنار او بودند

پیک هایی میان آنها بود

که به اصحاب خاص روی نمود

تا که جمعیتی ز هفتصد مرد

در منی 'گرد یکدیگر آورد

چون دویست تن که اهل دین بودند

اکثراً هم ز تابعین بودند

همه در مجلسی که جمع شدند

همچو پروانه گرد شمع شدند

که حسین علی ز جا برخاست

سخن خویش را چنان آراست

او سپاس خدا به جا آورد

روی بر حمد و بر ثنا آورد

گفت دقت کنید ای یاران

می نمایم مطالبی عنوان

گر حقیقت به کار من دیدید

بنمایید گفته را تأیید

گر دروغ است از راه تأدیب

بنمایید گفته را تکذیب

چون ز حق صحبتی در اینجا هست

آن حقوقی که گردن ما هست

یک حقوقی ولی شما دارید

به رسول خدا و ما دارید

آیا آگه ز ما جرا هستید

آگه اینجا ز حق ما هستید

چون ز نسخ حقایق اسلام

بیم دارم همیشه در ایام

بر نیاید اگر ز من کاری

می نماید خدا نگه داری

ص: ۴۰

وضع جهان اسلام

ای دریغا اوامر قرآن

همگی را نموده حذف از آن

غیر تفسیر و جز تلاوت نیست

ترک دستور دین کنون از چیست؟

گر رسول خدا ز دین گفته

یا که از خاندان چنین گفته

گفته از اهل بیت خویش سخن

یا که از اقربای پیش سخن

در کلامم به جز حقیقت نیست

همه این ها فقط روایت نیست

عمل و التزام می خواهد

صدق را در کلام می خواهد

گفته ها را صحابه چون بشنید

بنمودند جمله را تأیید

تابعین یک صدا در این تحقیق

بنمودند گفته را تصدیق

که حسین علی پس از تأیید

از صحابه و تابعین پرسید

چون علی یاور پیمبر بود

به رسول خدا برادر بود
گر حقیقت به گفته ام دارید
حال، این نکته را به یاد آرید
یاد دارید که مسلمانان
بود عقدی میانه ی آنان
تا که عقد برادری بستند
تا ابد پای عهد، بنشستند
یاد دارید آن که پیغمبر
جانب حق همیشه داشت نظر
او به هر جانبی سخن می راند
که علی را برادرش می خواند
جمع حاضر تمام بی تردید
بنمودند گفته را تأیید
با قسم چون گشود قفل زبان
به خداوند قادر سبحان
گفت آیا شما یقین دارید
در شهادت کنون سزاوارید
که رسول خدا خرید زمین
ده بنا ساخت بهر دین مبین
دهمین خانه را به نام علی

ساخت با امر شاه لَم یزلی

همه درها اگر که شد مسدود

لیک مفتوح درب ایشان بود

لیک پیغمبر خدا فرمود

همه این ها به امر یزدان بود

ص: ۴۱

بعد از آن بود اینچنین دستور

که علی گشته بهر دین مأمور

سوی مسجد فقط علی داند

نزد مردم مطالبی خواند

یاد، گر از غدیر خم کردیم

پس نباید ز امر برگردیم

که در آن سرزمین، رسول خدا

دست او را گرفت و برد بالا

او حدیثی که از ولایت راند

که علی را وصی و مولا خواند

شد ولایت مداری اش عامل

تا ابد دین حق شود کامل

گر ز جنگ تبوک یاد آرید

می نمایید گفته را تأیید

که پیمبر نظر به مولا کرد

این سخن را دمی به لب آورد

نسبت من و توست در اینجا

همچو هارون و نسبت موسی

چون بدین امر هم سزاواری

تو ولایت به مؤمنان داری

حاضران نیز جمله بی تردید
همه کردند گفته را تأیید
کی نظر سوی جنگ خیر بُرد
پرچم جنگ بر علی بسپرد
در برائت اگر رسول خدا
که فرستاده بود مولا را
گفت گر خود نیامدم، اما
می فرستم کسی چو خود، آنجا
با رسول خدا به هر محفل
روبرو می شدی به هر مشکل
چون علی را برادرش می خواند
جانب مشکل اش ورا میراند
یا که هنگام شب رسول خدا
بود در خلوتش اگر تنها
در کنارش علی چو مأوا داشت
امر پیغمبر خدا را داشت
که علی را به حمزه و جعفر
برتری داده بود پیغمبر
هر زمان او میان گفت و شنفت
روی بر فاطمه نموده و گفت

همسرت گرچه اهل بیت من است

بهترین یاورم به انجمن است

من اگر شهره ام به پیغمبر

چون به فرزند آدمم، سرور

لیک باشد برادرم آقا

بر عرب نیز، سرور مولا

فاطمه سرور زنان جنان

مادر امتی بُود ایشان

نور چشمان او بُود حَسین

در امامت، حسن بُود و حسین

ص: ۴۲

نور چشمان او بُود حَسَنِین
در امامت، حسن بُود و حسین
که رسول خدا وصیت کرد
در وصیت چنین سخن آورد
چون علی غمگسار من باشد
در دمِ مرگ، یار من باشد
حامل غسل و کفن و دفنم اوست
جبرئیل نیز یاوری نیکوست
باز چون روی بر علی بنمود
سخنانی چنین بدو فرمود
که دو چیز گرانبها اینجاست
اهل بیت ام، دگر کتاب خداست
بعد رو جانب عموم نمود
نیز بر جمع حاضران فرمود
آی مردم میان من و شما
می گذارم به یادگار این را
تا تمسک کنید بر آنها
که هدایت شوید در دنیا
که حسین علی از سر پند
حاضران را بداد چون سوگند

گفت: آیا شنیده اید این را؟

از زبان رسول خوب خدا

کآن زمان روی بر همه بنمود

در حضور همه شما فرمود

که محبّ ام، محبّ خاص علی ست

خصم او هم چو خصم بنده یکی ست

چون علی از من است و من، ز علی

در دلم نور حق شده ست جلی

تا که این بار از ره تأکید

همه کردند گفته را تأیید

چون به پایان رسید آن سخنان

متفّرق شدند آن یاران

مسئولیت عمومی برای رفع مشکلات

سخنان حسین در اینجا

هست فرمان دین، به امر خدا

نقل بنموده است او ز پدر

امر معروف و نهی از منکر

آنچه را آمده ست در قرآن

می نماید حسین، حال بیان

راه حق را از این که می پوید

رو به مردم نموده، می گوید

نیست از این فریضه ای برتر

امر معروف و نهی از منکر

چون خداوند خود محقق کرد

این دو مطلب به یاد ما آورد

کرده یزدان به ما اگر اعلام

دو فراخوان به دعوت اسلام

ص: ۴۳

دفع ظلم و ستمگری به جهان

سرکشی در برِ ستمکاران

نیز تقسیم کلّ بیت المال

هم غنایم در این ره است مثال

هم زکات است و سایر برکات

که بُود هر یکی خود از حَسَنات

لیک باید شود بسی همّت

که به پرداختش شود دقّت

حق مظلوم را نگه دارید

شخص محروم را به یاد آرید

این وجوهی که حال دست شماست

بهر هر بینوا ز سوی خداست

گر تو امروز قدرتی داری

یا مقامی و ثروتی داری

ناتوان را همی گرامی دار

درد را از دلش کنون بردار

بر ضعیفان بکن همی یاری

در همه سختی و گرفتاری

نعمتی را که از خدا داری

حقّ خدمت کنون به جای آری

چون شما جملگی مسلمانید

حال هر ناتوان که می دانید

در ره خدمتی که می آیید

در ادای حقوق کوشاید

چون چنین ایده ای شما دارید

به بهشت برین سزاوارید

حال روی سخن به آن ها هست

آن که قانون دین حق بشکست

چون که پیمان شکسته اید شما

هم فراموش کرده امر خدا

که نبینید حال معلولان

کورها، لال ها، زمین گیران

در همه شهر بی کس و تنها

نمایید رحم بر آن ها

حالیا جملگی چو مسئولید

از وظیفه که اینچنین دورید

با ستمگر و لیک می سازید

اسب خود را به مکر می تازید

همه غافل ز منکرات شدید

دور از دادن زکات شدید

غوطه ور در مقام و نام شدید

دور از عزّت و مرام شدید

پیروی کرده اید از اشرار

چون که شرمی نکرده اید از کار

ناتوان از تو ناتوان تر شد

کارهایت تمام منکر شد

پشت پا چون زدی تو بر قرآن

نرسیدی به درد معلولان

نگرفتی چو از کسی دستی

عاقبت بین که در کجا هستی

ص: ۴۴

نگرفتی چو از کسی دستی

عاقبت بین که در کجا هستی

وای از آن کس که می کند هر سال

حقّ افراد ناتوان پامال

چه عذابی، عقوبتی دارد

نزد حق او چگونه رو آرد

گویم اکنون به حرمت کلمات

بر محمّد و آل او صلوات

نماز ظهر عاشورا

به نام خدایی که شد چاره ساز

به شکرانه اش رو کنم بر نماز

خدایی که ما جمله را آفرید

برای بشر راه عزّت کشید

نشان داد بر ما، ره راست را

که بوده در عالم ره انبیاء

حسین علی راه را برگزید

به غیر از خدا او کسی را ندید

الا نو نهالان ایران زمین

که هستید آگه ز دین مبین

اگر آشنایید خود با حسین

بگوئید با من همه (یا حسین)
که تا شرحی از کار ایشان دهم
قلم را به عزّت در این ره نهم
شما آن حسینی که در کربلا
سر پاک او شد ز جسمش جدا
چگونه حسین را شما دیده اید
و دربارہ ی او چه بشنیده اید
نگفتید ایشان چرا کشته شد
چرا او به دشت بلا کشته شد
چنین راد مردی که در زندگی
به راه خدا بود در بندگی
نبود او دمی در گی نام و ننگ
نمی رفت در راه، هرگز به جنگ
چو اسلام را در خطر دید او
که از دین حق یافت او آبرو
به معروف و منکر وی اقدام کرد
و آن را به ناگاه اعلام کرد
حسین علی چون خداگونه بود
به فرمان حق، رو به دشمن نمود
حسین علی شیر دشت بلاست

مطیع فرامین و امر خداست

که بی اذن حق یک قدم بر نداشت

به راه حقیقت همی پا گذاشت

به راه حقیقت وی از جان گذشت

و لیکن ز امر خدا برنگشت

خدا را زجان او ستایش نمود

به درگاه پاکش نیایش نمود

چو داند بُود پایه ی دین نماز

برای سعادت بُود چاره ساز

ص: ۴۵

از این که کند پایه را استوار

بیامد دلیرانه در کار زار

که در روز عاشور، خصم دنی

نمودند در حقّ او دشمنی

لذا لشکر سعد گرد آمدند

چنان تهمتی را به ایشان زدند

حسین ناگهان رو به میدان نمود

در آن لحظه چون ظهر عاشور بود

به یزدان خود کردی روی نیاز

مقابل به دشمن، بشد در نماز

حسین در مقابل چنان نزه شیر

گرفتند او را به رگبار تیر

و یاران به امری که پرداختند

ز تن های خود هم سپر ساختند

نماز حسین از تفکر چو بود

همه نقشه ی فتنه ها را زدود

نماز عبادی - سیاسی او

همه نقشه ی خائنین کرد رو

نمازی که او با بصیرت بخواند

از آن دین اسلام جاوید ماند

نماز حسین یک سپاس از خداست

که او را همین امر، راز بقاست

خلاصه چه گویم من از آن نماز

که با حق همی کرد راز و نیاز

چو نور خدا در دلش شد پدید

که در راه اسلام حق شد شهید

نمازی که در ظهر عاشور خواند

که لرزه بر اندام دشمن نهاد

نمازی که اسلام را زنده کرد

و دل ها به مهر خود آکنده کرد

شده اعتبار شه عالمین

همه در قیام صلاه الحسین

بهمن ماه ۱۳۹۵

اربعین آمد

اربعین آمد و قرارمون کربلا

گر تو هم عاشقی، همره یاران بیا

میروم کربلا به کنار قبر حسین

تا زیارت کنم قبر شاه عالمین

میروم کربلا به عشق خاک حسین

تا گذارم سری به خاک پاک حسین

میروم کربلا کنار قبر حبیب

تا بیرسم از او حال حسین غریب

خاک کوی حسین بر همه دردی دواست

دیدن گنبدش، قبله ی عالم نماست

تربت کربلا سرمه ی چشم من است

دیده ها را شفا ز بوی پیراهن است

ص: ۴۶

اربعین آمد و قرارمون کربلا

گر تو هم عاشقی همره یاران

بیا

میروم کربلا کنار قبر حسین

تا زیارت کنم قبر شه عالمین

در ره کربلا، غذای جان توشه ام

میروم کربلا به عشق شش گوشه ام

میروم یادی از زینب کبری 'کنم

یادی از صبر آن بانوی عظمی 'کنم

میروم قتلگاه به یاد روز نبرد

تا بینم دمی که شمر ملعون چه کرد

چشم زینب کنون به جانب قتلگاست

که ز بالای تل شاهد این ماجراست

اربعین آمد و قرارمون کربلا

گر تو هم عاشقی همره یاران

بیا

میروم کربلا کنار قبر حسین

تا زیارت کنم قبر شه عالمین

کربلا، کربلا، قاسم و اکبر کجاست

در دل شیعیان بین چه شوری به پاست

کربلا، کربلا ماه علمدار کو؟

بین اهل حرم سرور و سالار کو؟

از رقیه بگو چگونه تاب آورد

تا عمو بھر او به خیمه آب آورد

وای از آن لحظه ای رقیه دید از جفا

سر با پای خود درون طشت طلا

اربعین آمد و قرارمون کربلا

گر تو هم عاشقی، همره یاران بیا

میروم کربلا کنار قبر حسین

تا زیارت کنم قبر شه عالمین

ص: ۴۷

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

